

چادر؛ نماد مقاومت

مینم نادی*

از نماد در فرهنگ فارسی به عنوان نماینده، نما، نمود، علامت و نشانه یاد شده و در واقع به هر چیزی اطلاق می‌شود که در محل استفاده خود، بیانگر ظاهر آن محل یا جمع است. همچنین در هر نوع کار گروهی برای شناخت افراد متعلق به آن، نماد یا علامتی معرفی می‌شود که در بعد تبلیغی و بیرونی با مشاهده آن نماد متوجه وابستگی آن فرد یا افراد به گروه یا جمعیت خاص می‌شوند. خطوط فکری مختلف؛ خواه اخلاقی، خواه منحنط نیز برای خود نمادهای مختلف دارند که معرفی‌کننده‌افراد متعلق به خود است، مثلا گروه‌های رکل شیطان‌پرستی، انواع و اقسام نمادهای عددی، نموداری و شکلی را برای خود معرفی کرده‌اند که به محض دیدن آنها می‌توان به تفکر افراد استفاده‌کننده بی برد. در فرهنگ اسلامی نیز نمادهاسی مختلفی برای شناسایی افراد و محل‌های متعلق به مسلمانین وجود دارد که از جمله می‌توان به مساجد و شکل آنها، حسینیه‌ها، نوع و رنگ پوشش مردان و زنان مسلمان در فواصل و اماکن مختلف و حتی نحوه گفت‌وگو و آداب معاشرت آنها اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نماد یک زن مسلمان، نحوه پوششی و حجاب کامل و به طور ویژه استفاده از چادر است. از چادر علاوه بر روایات و سیره عملی بانوان بیوت اهل‌بیت(ع)، بالاخص حضرت فاطمه زهر(ا.س)، در قرآن کریم نیز به صراحت یاد شده است؛ ای پیامبر! به همسران و دخترتان و همسران کسانی که مومن هستند بگو چادرهایشان را بر خود بپوشانند، این پوشش به اینکه به عفت و پاکدامنی شناخته شوند نزدیک‌تر است. (سوره احزاب، ۵۹) این توصیف به نحوه پوشش الهی یک زن مسلمان بازمی‌گردد اما نباید آن را صرفا در بعدی اخلاقی محدود کرد. امروزه این نماد زن محجبه مسلمان، مفاهیم تازه‌تری نیز به خود گرفته است. حضور یک زن مسلمان با پوشش چادر در جامعه امروز، صرفا به عنوان یک پوششی معمولی خلاصه نمی‌شود بلکه در لوی خود معنای دیگری را نیز همراه خواهد داشت. بیداری اسلامی، به نماد چادر جلوه‌ای دیگر داده است. اگر به تصاویر انقلاب‌های بی‌سابقه‌اخیردر کشورهای عربی منطقه نگاه کنیم، خواهیم دید نحوه استفاده از چادر میان زنان مبارز و انقلابی، تبدیل به یک نماد مقاومت و پایداری شده است. در واقع یکی از مهم‌ترین علل



اسلامی نامیدن این بیداری‌ها، چگونگی حضور بانوان کشورهای مختلف در صف انقلابیون است. انقلابیون تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین و دیگر کشورهای در حال بیداری، این روزها تصاویری را به اقصی نقاط عالم ارسال داشته‌اند که در آنها اولا

حضور زنان مسلمان با پوشش چادر را دوشادوش مردانشان به تصویر کشیده و ثانیاً چگونگی حضور در عرصه اجتماعی یک زن چادری مسلمان را به فرهنگ منحنط غربی معرفی کرده است. وقتی یک زن غربی به این تصاویر می‌نگرد به این نتیجه مهم می‌رسد که اسلام چگونگی به زن با رعایت پوشش کامل اسلامی فرصت بیان عقاید و حضور در جامعه را هدیه کرده و در واقع به آن ارزش مضاعف بخشیده اما در فرهنگ منحنط غرب، چگونه از یک زن به واسطه داشتن اندکی زیبایی ظاهری، انواع سوءاستفاده‌های تبلیغی – جنسی صورت می‌پذیرد و در واقع شخصیت زن دچار اضمحلال شده است. اینک در هر جای عالم، وقتی زنی مسلمان با پوشش چادر در جامعه ظاهر می‌شود، همه می‌دانند که او بیدار و معتمد است و روحیه‌ای انقلابی و حماسی دارد. بیداری اسلامی با معرفی چادر به عنوان نماد مقولومت و پایداری به این پوشش الهی خدمتی شایسته روا داشته است. بدین ترتیب دیگر به هر کسی که بخواهد نسبت به چادر به صرف پوشش بدن یک زن مسلمان بپردازد و نسبت به چگونگی استفاده از عدم استفاده از آن وقت صرف کند و کارشناسی کند باید با دیده سادمولوحی یا خدای ناکرده خیانت نگریست. چادر دیگر نوعی وسیله پوششی برای زنان مسلمان نیست؛ چادر به نماد مقاومت تبدیل شده و نشانه‌ای است برای اعتراض و به روند موجود وضع جهانی و امیدی است برای بیداری اسلامی در عالم. زنان مسلمان ایران و جهان اسلامی با برافراشتن نماد چادر در پوشش خود، فریاد بیداری نهایی و انتظار را سرمی‌دهند و بدین ترتیب اثرگذار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی و اسلامی خود را به رخ همگان کشیده و خواهند کشید.

«**مداح اهل بیت**»

تما



برخورد با فساد مالی و حفاظت از آبروی نظام

یادداشت



مصطفی بخشی، موضوع اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی این روزها صدر اخبار را به خود اختصاص داده و مسؤولان ۳ قوه هر کدام متناسب با جایگاه و سمت خود، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. برخی چون مسؤولان نظام بانکی در قوه

مجریه خود را عامل کشف این اختلاس و مستحق تشویق شدن می‌دانند و برخی چون نمایندگان مجلس صحبت‌از لزوم استعفای مسؤولان دولتی کرده و برخی دیگر در قوه قضائیه خود را پیگیر ماجرا و مصمم در برخورد با متهمان نشان می‌دهند. اما آنچه نباید مثل گذشته مغفول بماند به پس از این هیاهوها دوباره در پستوهای غفلت پایگانی نشود، فرمان هوشمندانه، مدبرانه و ۸ ماده‌ای رهبر فرزانه

انقلاب درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی است که ۱۰ سال و نیم پیش صادر فرمودند و قوای سه‌گانه را مامور برخورد جدی و قاطع با متخلفان و مفسدان اقتصادی کردند.

آنچه امروز در ورای این اختلاس‌ها و مفساد اقتصادی –

بویژه این اختلاس اخیر که انصافا باید آن را زلزله‌ای در نظام اقتصادی و حتی سیاسی تلقی کرد– قابل تامل و

واکاوی است، جزئیات پیچیده و زنجیرواری است که بین اجزای پشت پرده آن وجود دارد. رسیدن به این جزئیات و عناصر به هم پیوسته که فراتر از سیستم اقتصادی است و به طور قطع در دیگر حوزه‌ها نظیر سیاسی نیز وجود دارد،

مستلزم تعمق در مسائل مهم و موارد کلیدی است که در مورد مختلف فرمان مقام معظم رهبری درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی بیان شده است.

□ **نهراسیدن از مخالفت‌ها**

جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زرمزه‌ها و به تدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها عمدتا از نسوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند».
ظاهرا یکی از مواردی که تا به حال در مقام مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی مانع و سد ایجاد کرده، همین زرمزه‌ها و بعضا نعره‌های مخالفت از ناحیه برخی صاحب‌نفوذهای استتا که گاهی موجب تأثیرگذاری در روند مبارزه و کندی و حتی توقف برخورد با برخی مفاسد شده است.نگاهی به پرونده مفاسد اقتصادی بعضی از مفسدان که حتی نام آنها در سال‌های اخیر به عنوان مفسدان اقتصادی از سوی مقامات اجرایی اعلام شد و امروز در امنیت کامل در حال گذران فعالیت‌های خود هستند از این جمله است.

□ **انتخاب مبارزان صالح**

رهبر انقلاب در بند دیگر از آن نامه می‌فرماید: «کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دربریفند باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند».

در حال حاضر بسیاری از افراد صالح، متعهد و انقلابی و دلسوز نظام و مردم در قوای کشور هستند که اگر چنانچه مسؤولیت مبارزه جدی با مفسدان را به آنها سپرده شود، انقلابی در پاکسازی فضای اقتصادی ایجاد خواهند کرد؛

البته این بدان معنا نیست که در حال حاضر افرادی که مسؤولیت مقابله با انحرافات را دارند، فاقد این ارزش‌ها هستند اما با توجه به کندی روند مبارزه با مفاسد اقتصادی و عدم نتیجه مثبت قابل توجه در این باره و همچنین تکرار فسادهای اقتصادی بویژه اختلاس بزرگ آن واکنش نشان می‌دهند.
امیر، فقدان عزم جدی و کمبود نیروهای مبارز پیش گفته به وضوح قابل مشاهده است.

□ **ضربه قاطع و عملکرد غیر شکاری**

رهبر فرزانه در قسمت‌های دیگر این فرمان تأکید می‌کنند: «ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد… با این امر مهم و حیاتی نباید غافل شد. ضربه‌ها باید مثل گندسته مغفول بماند به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست‌اندر کاران این مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه‌ها و امل‌افساده‌ها به سراغ ضعف‌ا و خطاهای کوچک تروند و نقاط اصلی را رها نکنند».

عدم توجه جدی به این نکات حساس و مهم در امر مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب شد امروز افکار عمومی به‌رغم تلاش‌های ارزنده و قابل توجه دستسگاه قضایی و اطلاعاتی کشور در امر برخورد با مجرمان اقتصادی، به این باور برسد که اولاً وعده‌هایی که از سوی مسؤولان قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی داده می‌شود شعارگونه، تظاهرگونه و تبلیغاتی است؛ ثانیاً اگر ضربه‌ای هم وارد می‌شود، قاطع و دقیق نیست.

□ **نکته طلایی در برخورد با مجرمان**

اما یکی از کلیدی‌ترین فرمان مقام معظم رهبری در این بند است که فرمودند: «در امر مبارزه با فساد نباید

هیچ تبعیضی دیده شود.هیچکس و هیچ‌نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عنذر انتساب به اینجاب یا دیگر مسؤولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد».^(۱)وقتی معظله‌ها اینچنین خواهان برخورد عادلانه و دور از تبعیض با اتهام مفروض و محتمل متمسبان به خود هستند، دیگر تکلیف نزدیکان و منتسبان به دیگر مسؤولان ارشد قوا مشخص است. بنابراین در حال حاضر که آبروی نظام و مسؤولان پاک، خدوم و متعهد این کشور با موضوع چگونگی برخورد با متهمان واقعی اختلاس بزرگ ۳ هزار میلیارد تومانی گره خورده، شایسته است مسؤولان ارشد قوا بویژه رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه با دستور موشکافی عمیق این پرونده، ضمن کمک همه‌جانبه به روش‌ن شعب زوایای پشت پرده و تازیک و بازنگشتی‌های ناشیطی خارج سیاسی، با همه وجود و در عمل نسبت به برخورد جدی، قاطع، ظریف و دقیق با متهمان و مجرمان این افتضاح بزرگ در هر پست و مقام و منصبی که هستند، همکاری کرده و موضوع را در حد حمایت از آبرو و ناموس نظام مقدس جمهوری اسلامی پیگیری و مدیریت کنند.

به طور قطع نتیجه این پرونده بزرگ اقتصادی که رگه‌های سیاسی آن غیرقابل انکار است و چگونگی برخورد با آن به‌طور مستقیم در اعتماد و اعتقاد مردم و افکار عمومی به مسؤولان نظام و دلگرمی آنها به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی و ارتقای امنیت اقتصادی کشور تاثیرگذار خواهد بود.

تربیون

پلان

حمید خانی‌پور، دومین کار محمدرضا عرب برخلاف اثر قبلی وی (آخرین ملکه زمین) به مخاطب عمومی گرایش بیشتری دارد. برای این منظرو با فیلمنامه‌ای از علیرضا طالب‌زاده داستان ۳ همسایه فقیر و عاشق مثلثی را نشان می‌دهد که از فشار نداری مجاب به زدندین از جماعت مال مردم‌خور و نزول‌خور می‌شوند تا بتوانند با پول‌های دزدیده شده مشکلات خود و دیگران را حل کنند. با دیدن این فیلم در همان ابتدای امر ذهنمان به سمت رابین‌هود و دوستان و جنگل شروود می‌رود که کار توش را قیلا بدیده‌ایم؛ داستانی انگلیسی که ریشه در سدهای میانه دارد و به دلیل پرداخته شدن فراوان نماد حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی شمرده می‌شود.

در کهن‌ الگوهای کشور خودمان هم عیاران و یعقوب لیث سفار را داریم که با این روش در برابر ظلم می‌ایستادند و در فیلم هم اشاره‌ای به این مقوله می‌شود و در روزنامه کل این دوستان را به «عیاران در تهران» تعبیر می‌کنند.

به طور کلی این عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی ملکه ذهن قهرمانان فیلم قرار می‌گیرد که در تقابل با اسلام علوی است. زدندین از طبقه بروا و تقسیم مقادیر عنوان بیضم قفرا سمسلا رهاکار عدالت‌طلبی نیست. مسلمانعدالت‌طلبی اسلامی نیست که چنین قهرمانی را انگلیس استعمارگر ساخت‌ه و پرداخته کرده است. اصولا سعی می‌کنند عدالت‌طلبی را به این سمت منتهی کنند تا بتوانند اهداف استعمار گرانه خود را در دنیا دنبال کنند. در همین دست‌اندر کار این اسلام را در قالب طایمان به دنیا معرفی می‌کنند و سپس این دین را ترور یست‌پرور نشان می‌دهند که برای برقراری عدالت به ترور و کشتار و… متوسل می‌شود. در نهایت کشورهای ثروتمند و اصطلاحاچحان اول را از وجوددشمن‌های عقده‌ای و فقیر می‌ترسانند. به نوعی تنها راه ممکنه مبارزه را در زدندی و ترور یسم می‌دانند در حالی که این‌طور نیست. آنچه از آموزه‌های اسلام می‌دانیم رهاکاری انسانی برای رسیدن به عدالت است. امام خمینی(ره) در بیاناتی ارزشمنند فرمودند که بالاترین تکنولوژی موجود در دست بشر راه به دست آوردن آن را وابستگی‌های ناشیطی خارج می‌شود. امروزه روز فتح فناوری‌های نوین همچون انرژی هسته‌ای نشان از تحقق یکی از آرمان‌های انقلاب است که جهان مستبد و انحصارطلب را دچار تشویش کرده است. قوی‌تر شدن توان با استقلال جهان سوم مساوی است با ضعیف‌تر شدن دنیای استکباری است. نمی‌تواند تماشاکر آنچنانی را جذب خود کند. مردم بین ۲ فیلم «مرد دوزخ» که به مملو از سکس پنهن‌ا و جنابیت‌های بصری جنسی است و فیلمی که راه‌حل رابین‌هودی برای عدالت‌طلبی ارائه می‌دهد اولی را ترجیح می‌دهند. همچنان منتظری آموزه‌های اسلام ناب در دنیای درام جاری و ساری شود.

ندارها؛ رابین هود ایرانی

فیلم دزدی خود را مقدس می‌داند چون برای کمک به فقراست. الهای فاصله طبقاتی وحشتناک در کشور و متغعل نشان دادن طبقه فقیر که به راحتی پول دزدی را قبول می‌کنند و مشکلاتشان را رف می‌کنند از عناصر انوایی فیلم محسوب می‌شود.

تصوری غلط بین برخی عدالت‌طلبان هست که همه دارها را موجوداتی کریمه و ظالم و همه ندارها را موجوداتی مظلوم می‌داند. این نگاه یک نگاه غیراسلامی است که شکاف بین طبقه‌های جامعه ایجاد کرده و تنش در روابط اجتماعی را تشدید می‌کند. عدالت‌طلب واقعی فقط باید خشکنتی پیشه کند و عامل تحریک‌نا قشر ضعیف نشود و به بدینشی عمیق همه انسان‌ها را توانمند و مستحق رسیدن به خوشبختی بداند تا رسیدن به سعادت به صورت خودجوش میسر شود. در فضای ایده‌آل و قانونمند، رقابت و تلاش مثبت جامعه را فرامی‌گیرد و آگاه و بیدار کردن مردم و مبارزه با سیستم سرمایه‌داری، جامعه‌را از برده شدن و وابستگی غیرانسانی دور می‌کند.

اینها را گفتیم با تکویمیم فیلم «ندارها» را باید صرفا

فیلمی داستانی و سرگرم‌کننده ببینیم؛وگرنه مضمونش غیرمنطقی با آموزه‌های اسلامی و شیعه علوی است و به عنوان پیام‌پذیرفتنی نیست. «ندارها» از نمای اول خود قدم می‌کند وضع موجود کشور را اولاً نادانله و در بدترین حالت نشان دهد و بعد رهاکار خود را تنها کرده باقی‌مانده اثبات کند. مثلا علی (پژمان بازغی) در ابتدا با موتور مسافرکشی می‌کند و یکی از مسافراهیش روحانی است و علی طبق صحبت مثل دیگر مسافرها در راستای عقاید روحانی معصوم می‌کند و حدیث معروف امام علی(ع) که می‌فرماید چه گفتن مهم‌تر از چی کسی گفتن است را می‌گوید و در جواب این سوال که حرف‌های شما را بیشتر از ما می‌پذیرند، روحانی می‌گوید که عجله کنید می‌خواهم به جلسه برسم، یعنی اینکه روحانیت هم به جای تبلیغ دین به روزمرگی رسیده است و همه عدالت را فراموش کرده‌اند. بعد که مشکلات همسایه را می‌بیند (یک فقر نمایشی و یک حاجی‌بازاری کلیشه‌ای که به خاطر کرایه‌خانه ناچیز لوازم خانواده فقیر را بیرون انداخته است) دزدی و طغیان را آغاز می‌کند. «ندارها» از دیدگاه فنی بازی و فیلمبرداری خوبی دارد. تعدد لوکیشن و تدوین استاندارد وروو کریم مسیحی آن را نجات داده و روند خوش‌رینمی را خلق کرده که بیننده را خسته نمی‌کند. فیلم از لحاظ مضمونی چون در راستای فطرت نیست و عقبت‌ز است. مخاطب است، نمی‌تواند تماشاگر آنچنانی را جذب خود کند. مردم بین ۲ فیلم «مرد دوزخ» که مملو از سکس پنهن‌ا و جنابیت‌های بصری جنسی است و فیلمی که راه‌حل رابین‌هودی برای عدالت‌طلبی ارائه می‌دهد اولی را ترجیح می‌دهند. همچنان منتظری آموزه‌های اسلام ناب در دنیای درام جاری و ساری شود.

خبری بزرگ و برخی ملاحظات

شناسایی و تحقیق از همه متهمان در هر رده و مقام و کسانی که به هر شکل در تخلفات صورت گرفته دخیل بوده‌اند، با اشد مجازات با متخلفان برخورد شود.
این اقدام قوه قضائیه بایدس به عنوان برنامه محوری نظام اسلامی برای برخورد با اختلاس بزرگ مورد توجه و حمایت دیگر ارگان قدرت قرار گیرد و حمایت و همکاری آنها را نیز به همراه داشته باشد.

۳- پخش گزارشی خبری از رسانه ملی که در آن مسؤولان دستنگاه‌های مختلف خود را کاشف این اختلاس بزرگ معرفی می‌کردند نمونه دیگری از نگاه فرع‌مورد و حاشیه‌سازانه‌ای است که باید از ورود به آن پرهیز شود. واقعیت امر آن است که آنچه برای ملت مهم است برخورد قاطع و جلوگیری از تکرار این تخلفات است تا امول عمومی و سرمایه‌های ملی در اختیار مفسدان و زاده‌خواهان قرار نگیرد!

۱- موضع نخستین‌یار توانسته این مفسده را کشف کند و افتخار آن باید

برای کدام دستگاه اجرایی، قضایی یا امنیتی ثبت شود، مساله‌ای حاشیه‌ای است که اهمیت چندانی در اصل مساله ندارد.

۴- مساله اطلاع‌رسانی و پاسخگویی دستگاهها و مسؤولان ذی‌ربط از مراحل رسیدگی قرار بخشد

همهی از مراحل برخورد با این پرونده است که می‌تواند موجب آسوده‌خاطری افکار عمومی شود. اطلاع‌رسانی بموقع و شایسته، آبی خواهد بود بر آتش شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی‌های که قتنه‌گران داخلی و رسانه‌های بیگانه برای حجه و تخریب چهره نظام اسلامی به بهانه کشف این اختلاس بزرگ آغاز کرده‌اند.

۵- موضوع دیگر که افکار عمومی با آن مواجه است، آنکه چه موقع و کاستی‌هایی در ساختار اقتصادی کشور وجود دارد که امکان چنین اختلاس بزرگی را برای مفسدان اقتصادی فراهم می‌آورد؛ به واقع پیش از آنکه این سوال مطرح باشد که اختلاسگر کیست؟ باید به این سوال پاسخ داد که به‌رغم وجود قانون و نهادهای نظارتی، چگونه این اختلاس ۳ هزار میلیاردی صورت گرفته است؟!

در نگاه اول توجهات به سمت دستگاه‌های نظارتی جلب شده و بار دیگر آشکار می‌شود که یکی از معضلات مهم کشور این مساله است که باید برای تکمیل و رفع نواقص آن به‌طور جد چاره‌ای اندیشید. در نگاه دوم باید برخی مشکلات را در نقص قوانین کشور دنبال کرد که بررسی و رفع آن بر عهده نمایندگان محترم مجلس است و این خواست برای مقابله با مفاسد اقتصادی می‌تواند به یکی از معیارهای مهم انتخابات آتی مجلس تبدیل شود.

دشمن شناسی

فرقه‌های یهود

مهدی مسعودی

بخش نخست



شاید بد نباشد جهت شناخت بیشتر یهود و آگاهی از عقاید این قوم خاص کمی هم از فرقه‌های آنان بدانیم.
جالب است بدانید خود یهودیان اختلافات زیادی بر سر فرقه‌های مختلف داشتند که حتی موجب درگیری بین اقوام مختلف شده بود. البته این را هم باید گفت که برخی از این فرقه‌ها صادقانه به احکام الهی معتقد بودند و به بندگی خدا التزام می‌ورزیدند. آگاهی از قومیت و نژاد یهود و دانستن عقاید و اصول آنها برای فهمیدن تفکرات و نگاه صهیونیسم منحوس بسیار مهم است. از این رو بعد از پرداختن به فرقه‌های یهود، عهد عتیق و جدید را (کتابهای یهودیان) بررسی خواهیم کرد و اما فرقه‌های یهود…

۱- **فرقه فریسیان**

به معنای جاشئونندگان، در عصر مکابیان پیدا شدند. این فرقه که بخش بزرگی از کاهنان یهود آن را در خود آوردند، در برابر یونانی‌دگی ایستادگی کردند و نسبت به اجرای آبی‌چون و چرای شریعت موسی اصرار ورزیدند. این فرقه به معاد و روز قیامت اعتقاد داشتند و از نجات مردم جهان را عمل به تورات و همه دستورات دین یهود می‌دانستند. آنان گروه یا فرقه سنتگرای یهود بودند که به اصول و فروع مکتوب و منقول موسی و پیامبران بنی‌اسرائیل سخت اعتقاد داشتند. نفوذ این فرقه مذهبی یهود تا سال ۱۲۵ میلادی ادامه داشت. روحانیون این فرقه سخت تلاش داشتند تا یهودیان را از گرایش به عقاید فلسفی بیگانه برحرز دارند. آنان هرگونه تفسیر و تمییر در احکام مذهبی را نمی‌پذیرفتند.

۲- **فرقه صدوقیان**

منسوب به یکی از روحانیون یهود به نام صدوق است. این فرقه را روشنفکران و یونانی‌گرایان تشکیل دادند. آنان منکر معاد و نجات مردم جهان را عمل به فروع غیرعملی – عقلی دین یهود بودند. این فرقه تنها به نبوت موسی باور داشت و انبیا و کتب دیگر غیر از تورات را قبول نداشت. از تورات فقط اسفار پنجگانه را قبول داشتند. این فرقه به بقای روح و جهان آخرت باور نداشت و همین جهان را دار ثواب و عقاب می‌دانستند. آنان به خاندان اعتقاد داشتند و به معبد نیز می‌رفتند. این گروه در سال ۷۰ میلادی و پس از ویرانی اورشلیم به کلی از میان رفت. عوام یهودی این فرقه روشنفکر را مرتد و خارج از دین می‌شمرند. در عهد جدید یعنی انجیل و رسال‌ا ت رسولان از این فرقه یاد شده است. بنا به مندرجات انجیل، مقارن میلاد مسیح(ع)، میان ۲ فرقه فریسی و صدوقی اختلاف شدید رخ داد. صدوقیان در اقلیت بودند لذا مورد تمهت و آزار فریسیان قرار داشتند. در این هنگام فریسیان با مسیح و پیروان او در جنگ و جدال بودند. «حیفاً! کاهن بزرگ یهودیان فریسی به قتل عیسی فرمان و فتوا داد و آن حضرت را مرتد نامید. پس از آن یهودا (یکی از یاران عیسی(ع) که مکان اشتغالی او را می‌دانست چون که عیسی(ع) در آنجا با لشکریان خود بارها جلسات وعظ برپا کرده بود) لشکریان، خادمان و روسای کاهنان فریسیان را خرد کرد و آنان به آنجا آمدند و نیز آمده است:

«کاهنان فریسی همیشه با حضرت عیسی(ع) مشاجره می‌کردند، او به تمهت زنا می‌زدند و به او اهانت و آزار می‌رساندند.»
تعصب و اختلافات فریسی و صدوقی موجب از میان رفتن وحدت سیاسی و مذهبی قوم یهود شد.
تعالیم صدوقیان به تعالیم عیسی شباهت دارد.

۳- **فرقه اینسیان**

فرقه یهودات با گرایش عرفانی که محصول دوران فقر و فلاکت و اسارت یهود است. این فرقه علیه مالکیت خصوصی ششوریدند و آندوختن ز و سیم را حرام کردند. افراد این فرقه هیچگونه مالکیت خصوصی نداشتند و به صورت جمعی زندگی می‌کردند. برای آنان دوست و بیگانه یکی بود و با همه برادر و برابر بودند. آنان در زندگی و اطعمه شریک بودند. آنان هرگونه سیستم اقتصادی – تجاری را که منجر به تکثر و اشرافیت و زراندوزی می‌شد، ممنوع کرده بودند. آنان به نظام برده‌داری عاصی بودند و خود برده نداشتند و برده‌فروشی را حرام کرده بودند. آنان همچنین ساختن اسلحه و آلات جنگی را حرام کرده بودند. در حقیقت این فرقه در تحقق عدالت با اعجاب و تحسین یاد کرده‌اند. «قلیبین شاه» فرانسوی این فرقه را از مذاهب مشترک می‌داند که در قرن دوم قبل از میلاد حضور داشته و بنیانگذار آن را یوسف و قیولن یهودی معرفی می‌کند. این فرقه در عین حال عبد و زاهد و اهل ریاضت و انزوا بوده و نسبت به اجرای مراسم و احکام دین موسی سخت پابرجا بوده‌اند. این ترک دنیا کردی و بی‌نیازی غالباً در کوهها و غارها بسسر می‌پردند و برای جز عبادت و زهدورزی نداشتند. در زندگی اجتماعی به یک معاش جمعی قائل بودند و اموال خود را متعلق به عموم می‌دانستند. غسل تعمید نزد ایشان نشانه پاکي و توبه از گناه شمرده می‌شد و در میان آنان معمول بود. «جان ناس» می‌گوید: اینسان در اغلب نقاط فلسطین وجود داشته‌اند. این فرقه که از مردم جامعه دوری گزیده و تارک دنیا بودند، اوقات خود را به عبادت، انزوا، روزه و نماز گذراندند و به انتظار ظهور حضرت مسیح ششست و آداب شریعت ظاهری را بچسا آوردند، از جنگ و جدال خودداری می‌کردند. مردم را به شکیبایی دعوت می‌کردند. این فرقه در قرن دوم قبل از میلاد به دلیل فقر و گرستی تغییر رویه داده و به زراعت پرداخته و امراز معاش می‌کرده‌اند. در زندگی اجتماعی نوعی روش اشتراکی داشتند و اموال خود را متعلق به عموم مردم می‌دانستند. این فرقه خود را فرزندان نور نام نهاده بودند و دیگران را فرزند ظلمت می‌دانستند که رشته تاریکی بر آنان حکومت می‌کند. گویا عقاید این فرقه از عقاید زرتشتیان اقتباس شده بود. این فرقه در سال ۶۸ میلادی در قتل‌عام یهودیان از بین رفتند.